

## **An Analysis of the Revolutionary Action of Abdul Wahab Hussein, the Pioneer of the February 14 movement in Bahrain, Based on Pierre Ansar`s Theory**

**Hassan Majidi\***

Associate Professor of Political Sciences, Imam Sadeq University, Iran, (Corresponding  
Author) majidi118@gmail.com

**Alireza Beygi**

Ph.D. Student in Political Sciences, Imam Sadeq University, Iran,  
3lloush2025@gmail.com

### **Abstract**

**Objective:** The main purpose of this article is to analyze the revolutionary action of one of the most important, but lesser-known, leaders of the February 14 movement in Bahrain, Abdul Wahab Hussein. According to many Bahraini politicians, Abdul Wahab Hussein was the initiator of the movement. He was always banned by the Arab and international media. He has envisioned a special utopia for the people of Bahrain. Therefore, the sub-objective of this article is to draw the ideal city he meant.

**Method:** The method used in this study is general hermeneutics based on Pierre-Ansar's theory. In this method, the background, time, written works and words of Abdul Wahab Hussein are studied in order to explain the revolutionary action and its purpose of the desired utopia.

**Results:** The results of this article show that Abdul Wahab Hussein, after trying to show the unfavorable situation of Bahrain with his influential words, drew his ideal utopia. Considering the majority of the Shiite population in Bahrain, he considered the ideal government of the utopia to be the formation of an Islamic government. It does not mean that he was indifferent to the wishes of other peoples and religions. During the political struggle with the Al-Khalifa government during the February 14 movement in Bahrain, he said that the political structure and nature of the people's future utopia depended on their choice and vote, so he would follow the wishes of the majority of the people.

**Conclusion:** Abdul Wahab Hussein's revolutionary action in the February 14 movement was able to discourage the people from the Al-Khalifa family and lead them to build their ideal city. Abdul Wahab Hussein's move to mobilize the people to move toward military change was a success, but differences over how other Bahraini popular leaders have promoted it have eroded it to this day.

**Keywords:** February 14 Movement, Bahrain, Al Khalifa, Hermeneutics, Pierre Ansar, Abdul Wahab Hussein.

## واکاوی کنش انقلابی عبدالوهاب حسین، پیشگام جنبش ۱۴ فوریه بحرین، بر اساس نظریه پی‌یر انسار

حسن مجیدی\*

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول) majidi118@gmail.com

علیرضا بیگی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) a.r.beygi20@gmail.com

### چکیده

هدف: هدف اصلی از نگارش مقاله حاضر واکاوی کنش انقلابی یکی از مهم‌ترین رهبران کمتر شناخته‌شده جنبش ۱۴ فوریه بحرین به نام عبدالوهاب حسین است. عبدالوهاب حسین از نظر بسیاری از سیاستمداران بحرینی، آغازگر جنبش مذکور بوده است. وی که همواره از سوی رسانه‌های عربی و بین‌المللی تحریم رسانه‌ای شده بود، آرمان‌شهر خاصی برای مردم بحرین متصور بوده است. از این روی هدف فرعی این مقاله ترسیم آرمان‌شهر موردنظر وی است. روش: روش مورد استفاده در این پژوهش هرمنوتیک عام بر اساس نظریه پی‌یر انسار است. در این روش زمینه و زمانه و آثار مکتوب و سخنان منقول عبدالوهاب حسین مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا کنش انقلابی و مقصود وی از آرمان‌شهر موردنظر را به خوبی تبیین ساخت.

یافته‌ها: یافته‌های مقاله نشان می‌دهد عبدالوهاب حسین پس از آنکه با کلام و سخن تأثیرگذار کوشید وضعیت نامطلوب بحرین را نشان دهد، به ترسیم آرمان‌شهر مطلوب خود پرداخت. وی با توجه به جمعیت اکثریت شیعه در بحرین، حکومت مطلوب آرمان‌شهر خود را تشکیل حکومت اسلامی دانست. این بدین معنی نبود که وی به خواسته مردم دیگر مذاهب و ادیان بی‌توجه بوده است. او در روند پیکار سیاسی با حکومت آل‌خلیفه در طول جنبش ۱۴ فوریه بحرین بیان داشت که ساختار سیاسی و ماهیت آرمان‌شهر آتی مردم، منوط به انتخاب و رأی آنان است، لذا او نیز پیرو خواسته اکثریت مردم خواهد بود.

نتیجه‌گیری: کنش انقلابی عبدالوهاب حسین در جنبش ۱۴ فوریه توانست مردم را از خاندان آل‌خلیفه مأیوس ساخته و آنان را به سوی ساختن آرمان‌شهر آرمانی خویش رهنمون سازد. اقدام عبدالوهاب حسین در بسیج مردمی جهت حرکت به سوی تغییر نظامی اقدامی موفقیت‌آمیز بود اما اختلاف در شیوه پیشبرد این رهیافت توسط دیگر رهبران مردمی بحرین موجب فرسایشی شدن آن تا به امروز گردید.

واژگان کلیدی: آل‌خلیفه، بحرین، پی‌یر انسار، جنبش ۱۴ فوریه، عبدالوهاب حسین، هرمنوتیک.

## ۱- مقدمه

با خیزش موج تحولات منطقه غرب آسیا موسوم به بیداری اسلامی، کارشناسان بسیاری به موشکافی دقیق سیر ایجاد تحولات کشورهای درگیر در این موج پرداختند. تنها کشوری که با وجود سپری شدن چندین ماه از تحولات آن، کارشناسان داخلی و خارجی در تحلیل حوادث آن با فقر معلوماتی مواجه بودند، مجمع‌الجزایر کوچک بحرین بود. نظام بحرین با ایجاد محدودیت‌های شدید رسانه‌ای و اینترنتی و حتی بازداشت بسیاری از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان فضای مجازی، مانع از بازتاب حوادث این کشور کوچک به خارج از مرزهای آن شده بود (بی‌نا، ۲۰۱۴؛ بی‌نا، ۲۰۱۲؛ بی‌نا، ۲۰۲). این امر تحلیلگران را با فقر و کمبود اطلاعاتی مواجه می‌ساخت و باعث می‌گردید تا تحلیل کارشناسان از دقت کافی و معلومات جزئی برخوردار نشوند و پژوهشگران صرفاً در چند موضوع محدود که اطلاعات کافی پیرامون آن در اختیار داشتند، به تحلیل حوادث آن پردازند. این در حالی است که در پژوهش حاضر، کنش سیاسی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فرهنگی - سیاسی بحرین که از دید بسیاری از رسانه‌های مکتوب و سمعی - بصری پنهان مانده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ناشناخته بودن این شخصیت مانع از درک و شناخت کامل ابعاد نهضت مردم بحرین است. کنش سیاسی این شخصیت که در مقایسه با شیخ عیسی قاسم مورد بررسی قرار می‌گیرد، در فراز و فرود جنبش ۱۴ فوریه بحرین موثر بوده است که بایستی به خوبی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو پرسش اصلی مقاله این است که کنش انقلابی عبدالوهاب حسین بر اساس نظریه پی‌یر انسار چگونه قابل تحلیل است؟ به نظر می‌رسد اختلاف تاکتیکی در مبارزه سیاسی میان رهبران جنبش بحرین؛ موجب انشقاق و دو دستگی میان مردم حاضر در این نهضت شده است. شناخت شخصیت، نگرش، اندیشه و کنش سیاسی این افراد به فهم مطلوب جهت‌گیری‌ها و اقدامات نظام بحرین نیز کمک می‌کند، چراکه نظام بحرین برای به اضمحلال کشاندن جنبش، عبدالوهاب حسین و هم‌سنگران وی را بازداشت کرد و با صدور دو حکم حبس ابد برای وی و دیگر رهبران انقلابی بحرین توسط دادگاه‌های نظامی این کشور، سعی در سرکوب این جنبش داشته است. بنابراین جهت درک این قبیل از اقدامات نظام و چرایی فرسایشی شدن جنبش بحرین، شناخت ابعاد مختلف شخصیت چنین افرادی از اهمیت وافری برخوردار است. در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی کوشش می‌شود ضمن ارائه تصویری از زندگی و ابعاد شخصیت این مبارز بحرینی در قالب اجزاء و ابعاد نظریه پی‌یر انسار؛ توصیف و تحلیل شخصیت و کنش شورشی عبدالوهاب حسین توأمان صورت گیرد.

روش مقاله حاضر هرمنوتیک عام است بدین صورت هم بر زمینه و هم مولف و هم متن سخنان و دیدگاه‌های عبدالوهاب حسین تمرکز خواهد شد و با مطالعه زندگی و زمانه عبدالوهاب حسین، محیط پیرامونی وی و آنچه موجب شکل‌گیری اندیشه و شخصیت شورشی وی شده است، فهم

می شود. همچنین با بررسی کنش انقلابی عبدالوهاب حسین به عنوان فرد شورشی، تطبیق اقدامات وی با نظریه پی‌یر انسار دنبال خواهد شد. در واقع مؤلفه‌های نظریه پی‌یر انسار در نظر و عمل عبدالوهاب حسین جستجو می‌شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

عوامل و علل متعددی در تحولات بحرین به‌ویژه در جنبش ۱۴ فوریه تأثیر داشته‌اند که در پژوهش‌های اخیر به زبان فارسی به برخی از آنان پرداخته شده است. در زمینه پژوهش‌های مکتوب در قالب کتاب، می‌توان به جدیدترین کتب همچون «تحولات بحرین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» نوشته محمدرضا حاتمی، چاپ شده در نشر علوم و فنون رازی در سال ۱۳۹۴، «بیداری اسلامی در بحرین» نوشته سیدرضی عمادی، چاپ شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۴، «انقلاب کرامت در بحرین» نوشته ایمان نوروزی، چاپ شده در نشر معارف در سال ۱۳۹۴، «خیزش مسکوت» نوشته علی بغیری، چاپ شده در انتشارات موسسه اندیشه‌سازان نور در سال ۱۳۹۵، «انقلاب بحرین» نوشته مجتبی نیک رهی و مهتاب غفوری، چاپ شده در انتشارات نظری در سال ۱۳۹۶ و کتاب «سیاست و حکومت در بحرین» نوشته علیرضا بیگی، چاپ شده در انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۹۷ اشاره داشت. اغلب کتب مذکور ابعادی از بحرین و تحولات آن را در بر گرفته‌اند لذا جای خالی بسیاری از موضوعات مهم همچون شخصیت‌های تأثیرگذار در آن بسیار احساس می‌شود. در واقع در کتب مذکور و حتی در جدیدترین مقالاتی که نام آنان در جدول پیش رو ذکر شده است، به نقش برخی از رهبران جنبش از جمله عبدالوهاب حسین در پژوهش‌های اخیر پرداخته نشده و از این نظر موضوع مقاله حاضر نوآورانه است. معرفی و دسته‌بندی پژوهش‌هایی که به‌وسیله پژوهشگران ایرانی پیرامون حوادث اخیر بحرین پس از سال ۲۰۱۱، نگاشته شده از این قرار است:

جدول ۱: مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون حوادث اخیر بحرین، پس از تحولات بیداری اسلامی در چند دسته ذیل قابل تقسیم‌بندی است:

سال و محل چاپ	نویسنده (گان)	عنوان پژوهش	موضوع پژوهش
تابستان ۱۳۹۲ - مطالعات انقلاب اسلامی	محمدصادق نجفی و غلامحسین بلندیان	تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در بحرین	تأثیرات انقلاب ایران بر جنبش بحرین و تشابهات انقلاب ایران و جنبش بحرین
تابستان ۱۳۹۳ - فرهنگ پژوهش	الهام زارع مهریزی	بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات بحرین	
تابستان ۱۳۹۵ - مطالعات علوم سیاسی	غفار زارعی و سید احمدرضا دهناد	تشابه جنبش شیعی بحرین با مدل انقلاب اسلامی ایران	
۱۳۹۴ - دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی	خالد حزباوی و حسین کریمی فرد	نظریه بخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین	

	تحلیل تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با جنبش ۱۴ فوریه بحرین بر اساس نظریه نسل چهارم گلدستون	محمد رضا حاتمی و علیرضا بیگی	پائیز ۱۳۹۷ - پژوهشنامه انقلاب اسلامی
	چشم‌اندازی بر تأثیرات مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی بحرین	محمدصادق کوشکی و سید محمود حسینی و محمد قادری	زمستان ۱۳۹۳ - مطالعات انقلاب اسلامی
بیداری اسلامی و تأثیر آن بر حوادث بحرین و شکل‌گیری جنبش بحرین و آسیب‌شناسی آن	انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن	مسعود رضائیان و شهاب جهانیان	بهار ۱۳۹۲ - مطالعات انقلاب اسلامی
	بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسئله بیداری اسلامی (مطالعه موردی بحرین)	سید مرتضی هزاوه‌ای و فریده بلوریان	پائیز ۱۳۹۵ - مطالعات سیاسی جهان اسلام
	ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب (مطالعه موردی بحرین)	حسین امیر عبداللهیان	تابستان ۱۳۹۰ - مطالعات راهبردی
	بن‌مایه‌های بیداری اسلامی با مطالعه موردی بحرین	عادل جهان‌خواه و ذوالفقار دیده‌ورا	بهار ۱۳۹۳ - سیاست دفاعی
	عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی بحرین)	ناصر پورحسن و عبدالمجید سیفی	تابستان ۱۳۹۲ - علوم سیاسی
	بیداری اسلامی در بحرین	علی خداوری	بهار ۱۳۹۴ - مطالعات انقلاب اسلامی
	بحرین/ بیداری اسلامی در جزیره خوتین اسلامی	فاطمه سلیمی	بهار ۱۳۹۲ - رشد آموزش علوم اجتماعی
	بحران بحرین	سعید هاشمی نسب	زمستان ۱۳۸۹ - پژوهش‌های منطقه‌ای
	واکاوی منشور اقدام ملی و تأثیر آن بر وضعیت سیاسی بحرین	محمد رضا حاتمی و علیرضا بیگی	بهار و تابستان ۱۳۹۷ - جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام
آسیب‌شناسی قیام انقلابی بحرین	جواد مددی	پائیز ۱۳۹۳ - مطالعات راهبردی جهان اسلام	
مطالعات شخصیت محور	رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین	علی‌اکبر اسدی	بهار ۱۳۹۰ - مطالعات راهبردی جهان اسلام
	واکاوی اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم	هادی آجیلی و عابد یاقری	بهار و تابستان ۱۳۹۵ - مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
	آیت‌الله شیخ عیسی قاسم خط قرمز مردم	حسین رویوران	تیر و مرداد ۱۳۹۵ - پاسدار اسلام
	سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم از منظر حقوق بین‌الملل	امیر مقامی	تابستان ۱۳۹۶ - مطالعات حقوق عمومی

	مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم	رضا شاکری و صادق زینالی و علیرضا بیگی	زمستان ۱۳۹۶ - پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
	مطالعه تطبیقی نظریه حکومت در اندیشه عیسی قاسم و عبدالوهاب حسین	جلال درخشه و علیرضا بیگی	بهار ۱۳۹۸ - پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
	راهبرد بحرین در قبال شیعیان، مطالعه موردی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم از منظر سیاسی و حقوقی	سیدحمید هاشمی	بهار ۱۳۹۵ - مطالعات راهبردی جهان اسلام
مطالعات امنیت محور	راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین از منظر نظریه سازه‌نگاری	حسن مجیدی و سیدمرتضی کاظمی دینان	زمستان ۱۳۹۵ - شیعه شناسی
	بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	علی آدمی	بهار ۱۳۹۱ - راهبرد
	واکاوی منشور اقدام ملی و تاثیر آن بر وضعیت سیاسی بحرین	محمد رضا حاتمی و علیرضا بیگی	بهار و تابستان ۱۳۹۷ - جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام
	تحولات بحرین؛ بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیت ملی	محمد رضا حاتمی	پائیز ۱۳۹۲ - پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

### ۳- مبانی نظری

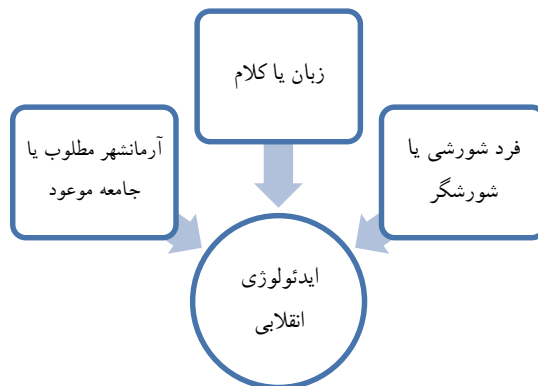
پی‌یر انسار<sup>۱</sup>، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه سوربن فرانسه، به دنبال بررسی رابطه کنش‌های اجتماعی و مسئله معنا است. او معتقد است که اولین گام هر فرد، گروه یا حزب سیاسی جهت دخالت مؤثر در کسب قدرت، تولید ایدئولوژی خاص است (انسار، ۱۳۸۱: ۱۳۸). از نظر او، برای رفع وضع موجود و دستیابی به قدرت وضعیت مطلوب بایستی اقدام به تولید «ایدئولوژی انقلابی» کرد. از نظر انسار این ایدئولوژی‌ها و مذاهب هستند که اعمال صالح، قدرت‌های مشروع و هویت‌های اجتماعی را مشخص می‌کنند. وی معتقد است که وظیفه کلی اجتماعی افراد معنا بخشیدن به کنش‌های سیاسی است (انسار، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۲).

ایدئولوژی انقلابی مطرح شده از سوی پی‌یر انسار، شکلی از بی‌اعتباری گذشته را ارائه می‌دهد که در آن تمامی آنچه باید مورد هجوم قرار گیرد، شناخته می‌شود، همانند ستم، بی‌عدالتی، بردگی و استثمار. از نظر وی، ایدئولوژی انقلابی بیان می‌دارد که گذشته، تاریخ خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌هاست که در آن قربانیان تحت ستم ستمگران بوده‌اند، درحالی‌که این وضعیت بایستی به کلی تغییر یابد. بنابر اعتقاد انسار ایدئولوژی انقلابی باید با دقت، صاحبان قدرت و زمامداران متخاصم امور کشور را بیابد و خلافت‌کاری‌های دلایل عدم مشروعیت این جناح را تبیین سازد.

1. Ansar Pierre

ایدئولوژی انقلابی، مقاطع کشمکش که در طی آن طبقات تحت ستم به مقابله با نیروهای ستمگر می‌پردازند را برجسته می‌سازد.

انسار ذیل مبحث ایدئولوژی انقلابی بیان می‌دارد که نایستی به توهم مقاطع سازندگی اقتصادی، انقلاب‌های صنعتی و جنگ‌های ملی را که در پی آن طبقات اجتماعی به آشتی ملی می‌رسند، شد زیرا این مقولات جز اموری توهم‌انگیز بیش نیستند (انسار، ۱۳۸۱: ۶۴). انسار می‌گوید که ایدئولوژی انقلابی که به دنبال اهداف سیاسی باشد می‌تواند افراد و نیروهای اجتماعی را به قوی‌ترین شکل بسیج کند (انسار، ۱۳۸۱: ۲۰۳). ایدئولوژی انقلابی مطرح شده از سوی انسار دارای سه مؤلفه مهم ذیل است:



نمودار ۱: سه مؤلفه ایدئولوژی انقلابی از نظر پی‌یر انسار (انسار، ۱۳۸۱: ۳۱ و ۱۵۷ و ۱۸۸)

سه مؤلفه «شورشگر»، «زبان» و «جامعه آرمانی» شاکله نظریه انسار را تشکیل می‌دهد. وی رهبران جنبش را با عنوان «شورشی» یا «شورشگر» معرفی می‌کند که به دنبال آن است تا از طریق «زبان» یا «کلام» یا «سخن»، به نفی جامعه نظام فعلی پرداخته، سپس طبقه جامعه را به «آرمان‌شهر» یا «جامعه موعود» یا «جامعه آرمانی» مدنظر خود مژده دهد. برای درک درست از نظریه انسار بایستی مؤلفه‌های مطرح شده از سوی وی به خوبی مورد مذاقه قرار گیرد که در ذیل این مهم دنبال می‌شود.

### فرد شورشی یا شورشگر

به اعتقاد پی‌یر انسار، شورش اقدامی است که به موجب آن، اعضای طبقات تحت سلطه، از چنگال تقسیم‌بندی‌های پراکنده‌ای که رژیم بر آنان تحمیل می‌نمود، رها می‌شوند. در کنش شورشی، فعالان اجتماعی، نظم و ساختارهای سازمان اجتماعی پیشین را قبول نداشته و سعی در نابودی آن دارند. شورشگر، شورشی‌ها یا شورشیان، چارچوب‌ها و محدودیت‌ها متداول را در هم می‌کوبند و پس از رهایی از گروه وابستگی خود، به‌طور نمادین گروه پیوسته‌ای ایجاد می‌کنند (انسار، ۱۳۸۱: ۱۵۷). به اعتقاد انسار شورشگر بایستی بتواند تصویری هیجان‌انگیز و

ستایش‌آمیز از من جمعی و تصویری ناخوشایند از دشمن به جامعه نشان دهد تا بدین ترتیب موجبات تضعیف اراده دشمن فراهم شود. سوژه عمل (شورشگر) باید به صورت واضح مشخص گردد. تان در پی آن به اعضای گروه هویتی جمعی نسبت داده شود (انسار، ۱۳۸۱: ۱۶۹). تلاش فرد شورشگر بر این است تا از طریق ایدئولوژی انقلابی به مشروعیت بخشی عمل آینده پرداخته در رابطه با چیزی که هنوز وجود ندارد تصمیم بگیرد. فرد شورشی از طریق ایدئولوژی انقلابی، در مورد چیزی تصمیم می‌گیرد که هنوز وجود ندارد، چراکه از کارویژه‌های ایدئولوژی پرسش از آینده جمعی و ماهیت آن است (انسار، ۱۳۸۱: ۶۶).

### کلام یا سخن

انسار در نظریه خود به دنبال تحلیل نقش زبان یا کلام در کنش سیاسی فرد شورشگر است. وی خواهان پاسخگویی به این سؤال است که چه عواملی موجب بروز تغییرات اجتماعی می‌شوند؟ از نظر انسار، فرد شورشگر از طریق کلام، در پی مبالغه‌گویی پیرامون وخامت وضعیت حاضر و ایده آل به تصویر کشاندن وضعیت مطلوب آتی است. شورشگر به دنبال آن است تا بدین طریق مردم جامعه را با خود همراه کرده و علیه ساختار سیاسی حاکم بشوراند.

کلام از نظر انسار باید به میزانی از قدرت اثرگذاری رسیده باشد تا بتواند اعتماد اعضای گروه را جلب کند. کلام باید به میزانی جلب اعتماد کند تا اعضای حزب به رهبران ایمان و اعتقاد پیدا کرده و اقدامات و اهداف رهبران را عادلانه متصور شده و در این مسیر از آنان خالصانه اطاعت کنند (انسار، ۱۳۸۱: ۱۴۰). در نگرش انسار، زبان در موقعیت‌های متفاوت سیاسی نقش‌های مختلفی را عهده دار می‌شود. از مهم‌ترین این موقعیت‌ها می‌توان به «وضعیت شورش علیه قدرت حاکم» و «وضعیت تثبیت قدرت حاکم» اشاره داشت. در واقع انسار به دنبال تبیین این گزاره است که انسان شورشگر با استفاده از کلام تازه، رشته سخن را در جامعه به دست گرفته و خود را مرکز و طراح تفسیر خویش از جهان و جامعه آرمانی می‌سازد و بدین ترتیب در موقعیت آفریننده سوژه جای می‌گیرد. حال اگر فرد شورشگر در عرصه عمل نتواند بر فرد سلطه‌گر غلبه یابد، در عرصه کلام و سخن می‌تواند با تکرار تهاجمات لفظی به فرد سلطه‌گر ضعف عرصه عمل را جبران کند و بدین ترتیب از میزان احساس حقارت بکاهد (انسار، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

انسار معتقد است کلام ابزار ویژه‌ای در دست طبقات تحت سلطه و محروم جهت احقاق حقوقشان است. وی بر این باور است که طبقه محروم با استفاده از کلام قادر خواهند بود تا بسیاری از موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را از میان بردارند (انسار، ۱۳۸۱: ۱۵۱). انسار معتقد است که کلام همچون نظام‌نامه‌ای است برای تنظیم روابط و کنترل کج‌روی‌ها عمل می‌کند. به موجب سخنی از سوی انسار باید عنوان داشت که کار ویژه کلام و زبان در زندگی سیاسی خلق معنا برای اقدامات عملی است و برای ارائه هر تحلیل سیاسی باید بر پیوند معنا و عمل توجه داشت (انسار، ۱۳۸۱: ۱۳۴).



## آرمان شهر یا جامعه موعود

از نظر انصار شورشگر یا فرد انقلابی سعی دارد تا از طریق قرار دادن مفهوم ایدئولوژی انقلابی در روند زمانی معنادار و در یک نیت اجتماعی، ترسیمگر جامعه‌ای آرمانی برای قشر ستمدیده و مظلوم باشد. شورشگر کوشش می‌کند تا موقعیت‌های انقلابی خلق سازد که در طی آن‌ها، جمعیت‌های شورشگر، نمادهای گذشته را ویران سازند و تندیس و پیکرهای نمادین دیکتاتور مفلوک را در هم کوبند (انصار، ۱۳۸۱: ۶۵). شورشگر تلاش می‌کند تا با استفاده از کلام حسی مشترک از «نارضایتی از وضع موجود» در جامعه به وجود آورد و بدین ترتیب آنان را علیه وضعیت مستقر بشوراند. انصار می‌گوید که تخیل سیاسی مبتنی بر امیال و آرزوها، تفسیر شوق‌انگیز خواسته‌های گروهی، شوق تحقق مطالبات خویش به صورت فانتزی، فریاد شورش را در آسمان به جریان خواهد انداخت (انصار، ۱۳۸۱: ۱۵۵) و از آرمان‌شهر ایده آل خود که به دنبال تحقق آن هستند سخن به میان خواهند آورد.

آنچه در نظریه پی‌یر انصار تعیین‌کننده است، زبان و چگونگی کاربست آن توسط فرد شورشگر جهت نفی نظام موجود و ترسیم جامعه موعود است. بنابر باور انصار، سخن سخنور بایستی به اندازه‌ای مؤثر باشد که مردم با شنیدن آن، شخص سخنور را کارآمدترین رهبر بدانند که تنها با کمک و اقدام وی هست که مردم می‌توانند به آرمان‌شهر موعود خود نائل آیند (انصار، ۱۳۸۱: ۱۸۱). از نظر وی، در جنبش‌های شورشی هر کس که بتواند کلام خویش را در قالب رادیکالیزاسیون، بهتر تبیین نماید، رهبر خواهد شد. در واقع در جنبش‌های شورشی، نبرد نبرد سخنوران است. در جنبش شورشی، رقابت جهت نیل به جایگاه رهبری به صورت رقابت میان قاطع‌ترین و قانع‌کننده‌ترین کلام‌ها است. در جنبش شورشی، کسی می‌تواند رهبر شود که با کلام خود بهتر از سایرین به جنبش‌های شورشی شکلی نظامی دهد (انصار، ۱۳۸۱: ۱۷۹). از نظر انصار، روش‌های مستفاد در مناسبات کشمکش آمیز توسط رهبر شورشگر بایستی دارای مقوله‌های پیش رو باشد؛ ۱. بی‌اعتبار سازی طرف مخالف؛ ۲. مشروعیت آفرینی برای خود؛ ۳. ترویج و تبلیغ هدف‌های پیشنهادی؛ ۴. یادآوری کامیابی‌های خود؛ ۵. تکرار موفقیت‌ها و دستاوردهای خود (انصار، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

رهبر شورشگر بایستی بتواند کلامی تولید کند که هم اعتماد مردم را جلب کند و هم اعتقاد آنان را (انصار، ۱۳۸۱: ۱۸۱). رهبر شورشی می‌بایست با تولید کلام مناسب، برای طرح، افکار، برنامه‌های و در نهایت آرمان‌شهر موعود خود مشروعیت آفرین و توجیه‌گر بوده و بتواند در برابر ادعاها و تهاجمات نیروهای رقیب یارای مقاومت داشته باشد (انصار، ۱۳۸۱: ۱۸۶). کلام مشروعیت آفرین جدید او نیز باید توان ارائه الگوی تازه‌ای که مبتنی بر تنظیم روابط و تمایز است را داشته باشد. در یک سخن اینکه کلام مشروعیت آفرین باید نقش‌ها را در جای خود و در حدود خویش توجیه کند (انصار، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

پی‌یر انسار در نظریه خود از فرد شورشگری حکایت می‌کند که در تلاش است با کاربست مناسب زبان، جامعه آرمانی موردنظر را برای مردم متصور ساخته و آنان را علیه نظام حاکم بشوراند. فرد شورشگر پی‌یر انسار به نقد وضع موجود می‌پردازد و سعی می‌کند تا با نامشروع خواندن نظام حاکم و ایدئولوژی انقلابی، جلوه‌ای از بی‌اعتباری گذشته را بنا کند که در آن، تمامی آنچه را که باید ویران شود، پرواضح مشخص گردد (انسار، ۱۳۸۱: ۶۴). فرد شورشگر پی‌یر انسار با استفاده از عباراتی چون «غاصب»، «دست‌نشانده»، «بی‌کفایت» و غیره، قدرت دشمن را قویاً باطل می‌کند (انسار، ۱۳۸۱: ۷۱). در این پژوهش نیز فرد عبدالوهاب حسین به عنوان رهبر شورشگر جنبش ۱۴ فوریه بحرین با استفاده از مفاهیمی چون غاصب، دست‌نشانده، ظالم، معاند دین، غارتگر، ضد ارزش و غیره، سعی در بی‌اعتباری نظام حاکم را دارد. او بدین ترتیب می‌تواند برای کنش انقلابی خود مشروعیت زایی کرده و جامعه را با خود همراه سازد. حال در ادامه پژوهش سعی می‌شود تا برای درک کنش انقلابی عبدالوهاب حسین در نظر و عمل و تطبیق صائب آن با مؤلفه‌های نظریه پی‌یر انسار، از روش هرمنوتیک عام استفاده کرده و پس از شناخت کامل عبدالوهاب حسین به عنوان رهبر شورشگر، اقدامات نظام بحرین در قبال مردم این کشور در گذشته و دوران معاصر پرداخته شود. آنچه در ادامه پژوهش بدان پرداخته خواهد شد در قالب الگوی تحلیلی مقاله به صورت گام به گام در طرح شماتیک ذیل به تصویر کشیده شده است:



نمودار ۲: الگوی تحلیلی مقاله

#### ۴- بدنه پژوهش

##### عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری کنش انقلابی

خاندان آل خلیفه با آغاز موج بیداری اسلامی و خیزش مردم بحرین وعده‌های محقق نشده بسیاری دادند، همانند تأمین شغل برای همه مردم، انجام اصلاحات سیاسی، مقابله با مفاسد

اقتصادی، تأمین مسکن برای شیعیان (ربیع، ۲۰۱۴: ۳-۵) و غیره. مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین خلف وعده‌های دولت بحرین را می‌توان چنین برشمرد:

• وعده استقلال کشور و تدوین قانون اساسی جدید و تأسیس پارلمان ملی، پس از استقلال بحرین پس از خروج انگلستان از بحرین در آگوست سال ۱۹۷۱، مردم این مجمع‌الجزایر پیرامون دوران پسا انگلستان به دودسته تقسیم شدند. گروهی می‌خواستند بحرین به ایران ملحق شود و گروهی دیگر نیز خواستار استقلال بوده و می‌خواستند بدون حاکمیت کشوری بیگانه سرنوشت خود را تعیین سازند. خاندان آل خلیفه با شعارهایی چون حفظ منافع ملی و زندگی در سایه قانون اساسی توافقی و مجلس قانون‌گذاری و مشارکت مردم در اداره کشور، توانستند اکثریت مردم را با خود همراه ساخته و راضی به رأی به استقلال بحرین کنند. آل خلیفه چنین استدلال می‌کردند که نایبستی از زیر چتر یک حکومت استعمارگر خارج شده و زیر چتر حکومت استعمارگر دیگری رفت، بلکه همه مردم بایستی جهت نیل به منافع ملی، قانون اساسی توافقی و زندگی پارلمانی به استقلال کشور رأی دهند (الراشد، بی تا: ۴۲). مردم بحرین به استقلال کشور خود رأی مثبت دادند و خاندان آل خلیفه را به‌عنوان زمامداران این مجمع‌الجزایر پذیرفتند. آل خلیفه نیز در سال ۱۹۷۳ اولین قانون اساسی و اولین مجلس این کشور را تأسیس کرد اما پس از ۱۸ ماه از تأسیس قانون اساسی و مجلس ملی، آنان را منحل ساخت، چراکه با بسیاری از خواسته‌ها و برنامه‌های خاندان در تعارض بود (بی‌نا، ۱۹۷۳: ۲۳).

• وعده عمل به منشور اقدام ملی

حمد بن عیسی، امیر بحرین، پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۹۹، قدرتمند کردن این مجمع‌الجزایر را منوط به تبدیل کردن آن از «امارت» به «پادشاهی» دانست (المرشد و الخواجه، ۲۰۰۸: ۵۷-۵۸). طرح اصلاحاتی وی که به «اصلاحات حمد» نیز شهرت دارد، در قالب منشوری با عنوان «میثاق العمل الوطنی» مطرح شد (الدقاق، ۲/۴/۱۳۹۶). وی وعده‌های اصلاحاتی بسیاری را مطرح کرد و تحقق آن‌ها را منوط به تصویب منشور اقدام ملی دانست (سلیمان، ۲۰۱۷: ۵۰؛ المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۴۷).

بر طبق این منشور، مردم می‌بایستی از امتیازات ایده‌آلی برخوردار می‌شدند لذا با همه‌پرسی‌ای که در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۱ برگزار شد، با ۹۸,۴٪ رأی مثبت آن را پذیرفتند. پس از تصویب منشور اقدام ملی توسط ۹۳٪ از مردم و تبدیل امارت بحرین به پادشاهی، حمد بن عیسی، به‌عنوان نخستین پادشاه بحرین، در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۲، وعده‌های خود را به فراموشی سپرده و از قانون اساسی جدیدی رونمایی کرد که به‌صورت یک‌جانبه از سوی خود او صادر شده بود (سلیمان، ۲۰۱۷: ۵۰). بر طبق مفاد این قانون اساسی، پادشاه قدرت مطلق کشور به شمار می‌رفت و از امتیازات سیاسی و نظامی منحصر به فردی برخوردار می‌شد. وی همچنین با تفسیری که خود از منشور اقدام ملی ارائه داد، مخالفت‌های خود را مطابق منشور اقدام ملی و در چارچوب قانون

اساسی جدید سال ۲۰۰۲ می‌دانست. خاندان آل خلیفه بر این باور بود که شیعیان خطری استراتژیک برای نظام این کشور به شمار می‌روند (بوصفوان، ۲۰۱۲: ۵۰۲-۵۰۳) لذا اقداماتی که در چارچوب منشور اقدام ملی و قانون اساسی ۲۰۰۲ بدان می‌پرداخت، در تعارض با هویت اکثریت مردم بحرین یعنی شیعیان قرار داشت. نظام با تفسیر خاصی که از مفاد منشور ارائه می‌داد و بنابر آن اقدامات خود را توجیه می‌کرد.

#### • وعده اصلاحات در گفتگوهای سال ۲۰۱۱

در جنبش ۱۴ فوریه بحرین، پس از کشته شدن چندین شهروند بحرینی، مطالبات مردم از اصلاح نظام به سرنگونی نظام تغییر یافت (بیگی، ۱۳۹۷: ۲۵۴-۲۵۵). ولیعهد بحرین به پیشنهاد پادشاه این کشور، جهت آرام ساختن مردم، پیشنهاد گفتگوهای ملی را مطرح کرد و از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مخالف درخواست کرد تا به مذاکره با نظام بپردازند (الدیری، ۲۰۱۲: ۲۲). طرح گفتگوی نظام با گروه‌های سیاسی، از سوی آمریکا مطرح شد و با استقبال نظام بحرین مواجه شد (المرشد، ۲۰۱۴: ۳۴۵). سلمان بن حمد آل خلیفه، ولیعهد بحرین دعوتش برای گفتگوی ملی که خواسته‌های اصلی مخالفان در باب موضوعاتی چون حکومت فرمایشی، فساد، اعطای تابعیت، قوم‌گرایی و اصلاح حوزه‌های انتخاباتی را تکرار کرد و به همه‌پرسی در مورد هرگونه توافقی پیرامون این مسائل وعده داد (الجزیره، ۲۰۱۱/۳/۱۴). گفتمان اصلاح طلب بحرین به طلایه‌داری جمعیت الوفاق این پیشنهاد را پذیرفت. عده‌ای دیگر از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی به‌ویژه گفتمان انقلابی، با اشاره به خلف وعده‌های نظام در گذشته، گفتگو را نپذیرفته و آن را نقشه نظام جهت به فرسایشی کردن جنبش خواندند. روند گفتگو میان نظام و گروه‌های سیاسی بیش از یک ماه به طول انجامید تا اینکه با ورود نیروهای سپر جزیره به بحرین در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۱۱ و اعلام حالت امنیت ملی و اشغال میدان لولو توسط نیروهای سپر جزیره، گفتگوهای نظام و گروه‌های مخالف با شکست مواجه شد. در حقیقت، وقتی که نظام دست برتر را پیدا کرد، گفتگوها را رها کرد (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۲۲).

### منش و کنش انقلابی عبدالوهاب حسین

#### زندگی و زمانه عبدالوهاب حسین

عبدالوهاب حسین علی أحمد إسماعیل که در بحرین «استاد عبدالوهاب» و «استاد عبدالوهاب حسین» شهرت دارد، در سال ۱۹۵۴ در یکی از روستاهای بحرین به نام «النویدرات» چشم به جهان گشود. پدرش را در دوازده‌سالگی از دست داد. مراحل ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بحرین و مرحله دانشگاه را در کویت سپری کرد. در سال ۱۹۷۷ در رشته فلسفه و جامعه‌شناسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد (موقع فضیلة الأستاذ عبدالوهاب حسین، ۲۰۱۰/۷/۱۹). او از جوانی فعالیت دینی و فرهنگی خود را آغاز کرد و در دهه ۸۰ نیز به عرصه سیاست ورود یافت.

فعالیت‌های دینی و فرهنگی وی شامل امامت جماعت و ارائه دروس و سخنرانی‌های دینی و همچنین تألیف و نویسندگی است (بیگی، ۱۳۹۷ الف: ۳۶۸).

عبدالوهاب حسین از سال ۱۹۶۹، زمان تأسیس جمعیت التوعیة الإسلامية<sup>۱</sup> تا سال ۱۹۹۲ با شیخ عیسی قاسم و شیخ عبدالامیر الجمری و دیگر مؤسسان جمعیت التوعیة، به فعالیت دینی و فرهنگی اشتغال داشت چراکه در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جوانان و مردم بحرین تمایل بسیار زیادی برای آشنایی با ایدئولوژی دینی انقلاب اسلامی ایران داشتند و این آشنایی از طریق جمعیت التوعیة صورت می‌پذیرفت.

وی در حوادث انتفاضه دهه ۹۰ میلادی<sup>۲</sup> به همراه گروه «اصحاب المبادرة»<sup>۳</sup> بازداشت شد. عبدالوهاب حسین در نگاه نظام سرسخت‌ترین معارض به شمار می‌رفت. این امر موجب شده بود که شکنجه گران نظام در زندان با وی به شیوه سخت‌تری برخورد کنند. در طول زندان همه زندانیان در یک سلول و در کنار هم بودند اما شیخ عبدالامیر الجمری و عبدالوهاب حسین در زندان انفرادی به سر می‌بردند. عبدالوهاب حسین را می‌توان مغز متفکر سیاسی بحرین در دو دهه گذشته نامید. تحلیل‌های وی همواره راهگشای انقلابیون بوده است. طراحی ساختار اولیه بسیاری از گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی به‌ویژه جمعیت الوفاق نیز توسط ایشان صورت گرفته است. پس از تأسیس جمعیت الوفاق، وی به همراه چندین شخصیت برجسته دیگر، به سبب اختلافات نظری که پیرامون استراتژی‌های جمعیت الوفاق به وجود آمده بود، از آن خارج شدند. وی در سال ۲۰۰۹ گروه سیاسی تیار الوفاء اسلامی را تأسیس می‌کند (بیگی، ۱۳۹۷ الف: ۲۲۸-۲۲۹). عبدالوهاب حسین چند روز پیش از آغاز جنبش ۱۴ فوریه، در سخنرانی‌ای در جمع جوانان بحرینی بیان داشته بود که ما اصلاحات را طلب خواهیم کرد، ولی اگر حکومت خون کسی را بریزد، تنها خواسته ما «اسقاط النظام» خواهد بود. وی در روزهای نخست آغاز جنبش دستگیر شد. در سخنرانی که در روزهای آغازین جنبش در جمع انقلابیون ایراد کرد به صراحت از تغییر نظام در بحرین سخن گفت. وی و دو تن از مؤسسان دیگر تیار الوفاء یعنی آیت‌الله عبدالجلیل مقداد و شیخ سعید النوری پس از سخنرانی‌های آتشین در جمع انقلابیون دستگیر و به حبس ابد محکوم گردیدند. عبدالوهاب حسین در طول زندگی خود به سبب فعالیت‌های گسترده سیاسی، چندین مرتبه در سال‌های ۱۹۹۵ (موقع فضیلة الأستاذ عبدالوهاب حسین، ۲۰۱۰/۷/۱۹ ب)، ۱۹۹۶ و ۲۰۱۱ توسط نظام بحرین بازداشت شد. با خیزش تحولات بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا، عبدالوهاب حسین به‌عنوان یکی از رهبران پرنفوذ و محبوب بحرین، هدایت بخشی

۱. جمعیتی منشعب شده از حزب الدعوة عراق

۲. ثورة التسعینات

۳. در دهه ۹۰ میلادی و در پی انتفاضه دهه ۹۰ که به ثورة التسعینات شهرت دارد، تعدادی از رهبران و نخبگان بحرینی از سوی نظام بازداشت می‌شوند. این افراد که رویکرد مقابله با نظام را در پیش گرفته بودند به «اصحاب المبادرة» شهرت دارند.

از جنبش ۱۴ فوریه بحرین را بر عهده گرفت. وی که نخستین فردی بود که در سال ۲۰۱۱ به تظاهرات علیه نظام حاکم پرداخت، در بین بخشی از مردم بحرین به «مفجر الثورة» (آغازگر انقلاب) شهرت دارد (بی‌نا، ۲۰۱۳/۵/۲۰). در واقع اولین تظاهرات در ساعت ۵:۳۰ صبح و از مسجد «شیخ احمد» روستای النویدرات و به رهبری عبدالوهاب حسین آغاز شد. در این تظاهرات صدها نفر شرکت کرده و تا میدان لولو پیش رفتند (مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۹۱). وی در ابتدای جنبش ۱۴ فوریه بحرین خواهان اصلاحات نظام بود اما زمانیکه حکومت بحرین با اقدام نظامی چندین جوان را به شهادت رساند، وی خواسته سرنگونی نظام به روش تظاهرات مسالمت‌آمیز را در پیش گرفت. وی که از محبوبیت قابل توجهی در بحرین برخوردار است، توانست بخش قابل توجهی از مردم را با خود همراه سازد. این اقدام وی سبب شد تا نظام بحرین وی را در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۱ بازداشت کند. وی در دادگاه‌های نظامی نیز به صراحت خود را فعال سیاسی مخالف نظام معرفی کرده و نظام بحرین را به‌عنوان نظامی بدذات و بدطینت می‌شمارد. وی در دادگاه‌های بحرین بیان می‌دارد که حکومت بحرین به‌هیچ‌وجه امین منافع مردم این کشور نیست و ادامه می‌دهد که نظام بحرین توانایی برآورده ساختن نیازهای مردم، به‌روزرسانی ساختار سیاسی حاکم، پذیرش پیشرفت‌های دنیای مدرن و ایجاد مؤسسات قانونی را ندارد (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۱۵-۱۶ و ۴۰-۴۱).

### شخصیت شورشی عبدالوهاب حسین

عبدالوهاب حسین به‌عنوان شخصیت شورشی برجسته بحرین که به صراحت هدف خود را سرنگونی مسالمت‌آمیز نظام معرفی می‌کند، حکومت بحرین را حکومتی خائن معرفی می‌کند که به‌هیچ‌وجه امین منافع مردم نیست (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۴۱). عبدالوهاب حسین معتقد است ساختار سیاسی حاکم با زور و ستم بر مردم سیطره یافته است. وی بیان می‌دارد که ساختار سیاسی حاکم ناپیستی با زور و اجبار و ترساندن مردم بر آنان سلطه یابد (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۴۱). وی ساختار سیاسی حاکم بر بحرین را مورد تهاجمات تند قرار داده و نظام بحرین را نظامی می‌داند که افراد شریف و کرامتمند بسیاری را در بند کرده است. وی بر این باور است که این افراد برای نیل به آزادی و کرامت در این نظام استبدادی بایستی بهای سنگینی بپردازند (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۴۲). وی اقدام نظام بحرین در سال ۱۹۷۵ در انحلال مجلس ملی و تعلیق قانون اساسی را به‌مثابه کودتای سیاسی بر نظر اکثریت مردم می‌داند. عبدالوهاب حسین جهت بیان شدت اثر نامطلوب برخی از قوانین وضع شده از سوی نظام، با عباراتی چون «بدطینت»، «بدرشت»، «نامشروع»، «صوری»، «ناکارآمد» و غیره استفاده می‌کرد (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۴۳-۴۴). وی به‌عنوان شخصیت شورشی بارز در مجمع‌الجزایر بحرین، ریشه تظاهرات و جنبش ۱۴ فوریه را به دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی مرتبط می‌داند و حکومت را مسئول افزایش سقف خواسته‌های مردم و مسئول خشونت علیه آنان می‌داند (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۱۸-۱۹).

۱۹). وی بیان می‌دارد که نظام سیاسی حاکم نبایستی بر اساس دین، مذهب، عرق، ملیت، نژاد، گرایش‌های سیاسی و سازمانی و غیره، میان مردم تفاوت قائل شود (حسین، ۱۳۹۵: ۴۱). عبدالوهاب حسین همواره در تلاش است تا یک تصویر ناخوشایند از نظام و ساختار سیاسی حاکم ارائه دهد. وی تلاش می‌کند تا تقسیم‌بندی‌های شیعه و سنی که از سوی نظام مطرح شده بود را بی‌اساس دانسته، به قطب‌بندی نظام و مردم می‌پردازد.

شخصیت شورشی عبدالوهاب حسین نه تنها در دوران جنبش ۱۴ فوریه بحرین به خوبی ایفای نقش می‌کرد، بلکه در دادگاه‌های نظامی بحرین نیز، بدون ترس نظام را مورد انتقاد قرار داد. عبدالوهاب حسین هنگام معرفی خود در دادگاه‌های نظامی بحرین، خود را فعال سیاسی مخالف حکومت بحرین معرفی کرد (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۱۵). وی در طول جلسات محاکمه نیز نظام بحرین را نظامی معرفی کرد که افراد شریف و کرامتمند بسیاری را در بند کرده است. وی بر این باور است که این افراد برای نیل به آزادی و کرامت در این نظام استبدادی بایستی بهای سنگینی بپردازند (حسین، ۱۳۹۵ الف: ۴۲).

### کلام عبدالوهاب حسین

عبدالوهاب حسین در سخنان و نوشته‌های خود همواره تلاش می‌کند تا با استفاده از کلام، حسی مشترک در ناراضیانی از وضع موجود میان مردم ایجاد کند و بدین طریق آنان را علیه وضعیت موجود بشوراند. وی همواره اقدامات نظام حاکم، همچون محرومیت فرزندان بحرینی از خدمت سربازی، اعطای تابعیت بحرینی به اهل سنت غیر بحرینی، فساد خاندان حاکم و شرکت‌های دولتی را از جرم‌های نظام می‌داند (حسین، ۲۰۰۹ ا: ۳۵). او در طول جنبش ۱۴ فوریه، چندین سخنرانی مهم در میدان لولو انجام داد و جهت پیشبرد هدف گفتمان انقلابی، مردم را به اتحاد و گروه‌های سیاسی را نیز به تشکیل ائتلاف علیه نظام دعوت می‌کرد (الجزیره، ۲۰۱۱/۳/۸).

### حکومت مطلوب و آرمان‌شهر عبدالوهاب حسین

عبدالوهاب حسین برای اینکه بتواند تصویر ایده‌آلی از حکومت مطلوب و آرمان‌شهر موردنظر خود به مردم ارائه دهد، همواره به نقد شرایط موجود بحرین پرداخته و مردم بحرین را شایسته و لایق‌تر از شرایط موجود می‌داند. وی با نقد وضعیت موجود جامعه، آن را شایسته مردم بحرین نمی‌داند. او بحرین را جامعه‌ای می‌داند که در آن مؤسسات قانونی به مؤسساتی صوری و ناکارآمد تبدیل شده‌اند که در جهت مستحکم سازی بنیان‌های دیکتاتوری و استبداد و همچنین قانونی کردن ظلم فعالیت می‌کنند (حسین، ۱۳۹۵ ب: ۴۲). وی از بحران‌هایی همچون بحران اجتماعی التنجیس<sup>۱</sup>، بیکاری، افزایش سن ازدواج و غیره سخن به میان می‌آورد. او در قرار دادن مشاغل امنیتی و نظامی در اختیار افراد خارجی و غیر بحرینی و محروم کردن جوانان بحرین از خدمات‌ها

۱. سیاست اعطای تابعیت بحرینی به اهل سنت غیر بحرینی جهت افزایش جمعیت اهل سنت.

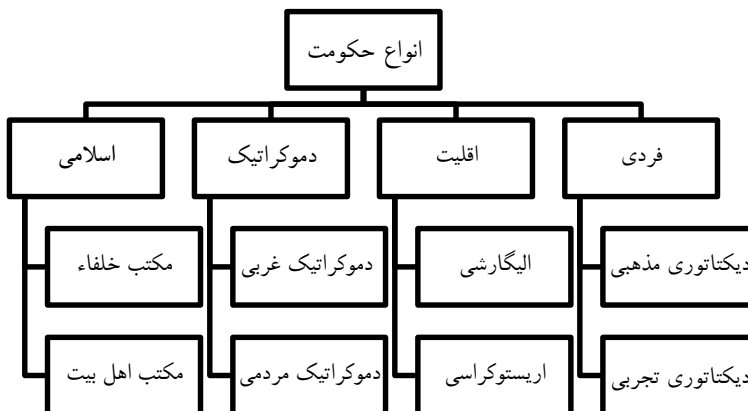
و آموزش‌های نظامی را یکی از مشکلات اصلی بحرین می‌داند که موجب بی‌اعتمادی و از بین رفتن محبت میان حکومت و مردم می‌شود (حسین، ۲۰۰۹: ۳۳ و ۱۲۳). عبدالوهاب حسین، رشد تفکرات سلفی و گسترش روزافزون آن در بحرین، بی‌توجهی نظام بحرین به مقوله دین و سیاست، تفرقه‌افکنی و ایجاد فتنه‌های طایفی به پیشنهاد رژیم صهیونیستی و آمریکا و توسط نظام بحرین، مسئله طبقه بدون و غیره را به عنوان برخی از بحران‌های جامعه دانست که نظام بدانها توجهی نمی‌کند (حسین، ۲۰۰۹: ۲۷۹ و ۲۳۳). در چنین جامعه‌ای، خدمت‌رسانی به مردم و ارائه خدمات عمومی به آنان از ضعف جدی برخوردار است چراکه دولت بحرین دولتی رانتیر است و تلاش دارد تا مخارج خود را از طریق کمک‌های مالی عربستان سعودی و صنعت توریسم تهیه کند، لذا به مردم نیازی ندارد. عبدالوهاب حسین که از فعالین فرهنگی شیعیان بحرین به شمار می‌رود که به همراه افرادی چون آیت‌الله عبدالجلیل المقداد و حجت‌الاسلام و المسلمین سعید النوری به ترویج افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، آیت‌الله شهید مطهری (ره) و آیت‌الله شهید محمدباقر صدر (ره) می‌پردازد، به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی نظام و دولت بحرین همچون تأسیس مراکز فساد و فحشاء همچون کاباره‌ها و نایت کلاب‌ها<sup>۱</sup> مخالفت می‌کند و آن را مخالف هویت دینی مردم بحرین می‌داند. وی بیان می‌دارد که حکومت باید برخاسته از خواست آزادانه و آگاهانه مردم باشد و مبادله مسالمت‌آمیز قدرت باید در سایه شرع و رضایت مردم صورت پذیرد (حسین، ۲۰۱۲: ۴۴-۴۵). با مطالعه آثار و نوشته‌های عبدالوهاب این نتیجه دریافت می‌شود که حکومت مطلوب در سپهر اندیشه‌ای وی، حکومت اسلامی بر پایه حکمرانی فقیه عادل است، اما باوجود این معتقد است که حق انتخاب با مردم است و چون مردم خواهان حکومت جمهوری هستند، لذا باید به خواسته آنان احترام گذاشت و درصدد تحقق حکومت جمهوری برآمد. عبدالوهاب حسین پیرامون مقوله تصمیمات انسان بیان می‌دارد که انسان به سبب برخوردار بودن از قوه عقل و اراده و اختیار، برترین مخلوقات به شمار رفته لذا خود انسان برای سرنوشت خویش تصمیم می‌گیرد و مسئولیت آن را عهده‌دار می‌شود. این امر سبب می‌شود تا انسان نتواند شانه از نتیجه اقدامات خود خالی کند. انسان بایستی از کرامت و عزت خود پاسداری کرده و در مسیر تکامل معرفتی و تربیتی گام بردارد (حسین، ۲۰۱۱: ۶). عبدالوهاب حسین معتقد است که اسلام دو وظیفه را بر عهده انسان گذاشته است. نخست تهذیب نفس، سپس تشکیل حکومت. وی بیان می‌دارد که انسان موجودی اجتماعی است. او نباید تنها به موضوع تزکیه نفس خود بیندیشد بلکه باید بستری جهت تعاملات اجتماعی پایدار به وجود آورد. انسان جهت اجتماعی بودن و اجتماعی زیستن، می‌بایستی به تشکیل حکومت بپردازد تا از طریق آن بتواند امت و تمدن انسانی بر اساس عقیده، شریعت، ارزش‌های روحی و قوانین علمی و تاریخی به وجود آورد. انسان همواره دچار اختلافات و درگیری‌های ایدئولوژیکی و سیاسی در سطح زندگی

## 1. Night Clubs



فردی و اجتماعی می‌شود. برای جلوگیری از آن می‌بایستی به تشکیل حکومت بپردازد. در واقع تشکیل حکومت یکی از وظایف اجتماعی‌ای است که خداوند بر انسان محول کرده است (حسین، ۲۰۰۹: ۳۳۹-۳۴۳؛ حسین، ۲۰۰۹: ب: ۳۴۲).

از نظر عبدالوهاب حسین، حکومت یک رژیم سیاسی و چارچوب تشکیلاتی عام و مرجع عالی مسلط و بانفوذی است که بر تمام امور جامعه اشراف دارد و نظام بخش و انسجام دهنده زندگی بوده و در جایگاه رهبری آن قرار دارد. به دیگر سخن، حکومت، رهبری تمام جامعه را بر عهده داشته و اراده آن فوق اراده تمام گروه‌ها و جماعات دیگر در جامعه است، لذا دیگر ارگان‌ها و بخش‌های جامعه به اطاعت تام از حکومت می‌پردازند (حسین، ۲۰۰۷: ۱۲-۱۳).



نمودار ۳: انواع حکومت از منظر عبدالوهاب حسین (بیگی، الف ۱۳۹۷: ۸۲)

عبدالوهاب حسین ذیل مبحث حکومت اسلامی از فلسفه وجودی ولایت فقیه سخن می‌راند و می‌گوید که اگر پس از امام، فقیهی واجد شرایط جهت تشکیل حکومت به پا خاست، مردم از او حمایت کنند. حسین بیان می‌دارد در صورت وجود چندین فقیه و مرجع جامع‌الشرایط، می‌توان انتخاب هر یک از آنان را به انتخابات همگانی مردم سپرد. اگر فقیهی واجد شرایط با اکثریت آراء انتخابی مردم برگزیده شد، شرعاً می‌تواند رهبر جامعه اسلامی شود. در صورتی هم که مردم به انتخاب رهبر مبادرت نورزیدند، کارشناسان و اهل خبره به نمایندگی از مردم به مشورت و جستجو پیرامون انتخاب رهبر می‌پردازند. وی در راستای وظایف مردم در قبال ولی فقیه عنوان می‌دارد که اطاعت از ولی فقیه را برای همه افراد جامعه و دیگر فقها واجب است و اگر فقها و یا دیگر اعضای جامعه با ولی فقیه اختلاف نظر داشتند، نبایستی در مسیر رهبری او مانع تراشی کنند. از سوی دیگر، در راستای اهداف ولی فقیه در قبال مردم نیز بیان می‌دارد که اگر مردم جهت تشکیل حکومتی در چارچوب قواعد اسلامی به پا خاستند، فقیه جامع‌الشرایط باید فعالیت آنان را تحت نظر داشته و آنان را به مسیر درست هدایت کند (حسین، ۲۰۰۷: ۱۱۰-۱۱۵).

از نظر عبدالوهاب حسین، تکلیف مسلمانان این است که به هر شیوه‌ای که می‌توانند، حاکمیت و رهبری فاسقان و ظالمان در جوامع و دولت‌های اسلامی را نپذیرند، مگر در صورت استثناء که لازمه آن داشتن عذر واقعی متکی بر دین است، نه عذر و بهانه خیالی برخاسته از ترس یا طمع دنیا. (حسین، ۱۳۹۵ الف: ۴۸). عبدالوهاب حسین اولین تکلیف و اصلی‌ترین موضع مسلمانان را انقلاب علیه باطل، ظلم، استبداد، ستم و فساد می‌داند زیرا اسلام به دنبال سعادت انسان است، پس انسان باید با عواملی که مانع از رسیدن او به سعادت می‌شود مبارزه کند. وی بیان می‌دارد موضع اولیه مسلمان حقیقی این است که بر ظلم، استبداد، فشارها و مبارزه‌طلبی که در زندگی اسلامی و اجتماعی‌اش مواجه می‌شود، انقلاب کند و در مقابل سازمان‌های ظالم و مستبد، خاضع و تسلیم نشود. قبول واقعیت امر و خلاف آن، استثنائاً نیازمند توجیه عقلی واقعی و اجازه شرعی از رهبر شرعی اسلامی و الامقام است (حسین، ۲۰۱۲: ۶۵). از نظر وی امت اسلامی مکلف هستند تا از حاکم عادل اطاعت کنند و رهبر قانونی اسلامی را در انقلاب علیه ظلم، انحراف، استبداد و فساد یاری کنند. ملت مسلمان باید مسئولیت حاکم را متقبل شود، یعنی اینکه به اطاعت کامل از حاکم عادل بپردازد. اگر حاکم ظالم باشد، بر ملت واجب است که برای قیام علیه وی و سرنگونی‌اش در صف رهبر قانونی و الامقام قرار گیرد (حسین، ۲۰۱۲: ۶۵).

عبدالوهاب حسین اقدام امام حسین (ع) به انقلاب را به سبب تکلیف شرعی دانسته و بیان می‌دارد که در صورت واجب شدن تکلیف شرعی به قیام علیه ظلم و جور، نایستی به بررسی میزان توانایی و احتمال پیروزی خود پرداخت، بلکه باید به تکلیف شرعی عمل نمود (حسین، ۲۰۰۹: ۳۷). برای تحقق موفقیت و به دست آوردن برترین نتایج، تلاششان را در فراهم نمودن شرایط مطلوب عینی به کار گیرند. مهم‌ترین نتایج این اقدام عبارت خواهد بود از رهبری حکیمانه، کفایت در انجام وظیفه، انضباط سازمان‌یافته، شجاعت، صبر، اخلاص، آمادگی کامل در هنگام فداکاری لازم و برگزیدن شرایط وقت مناسب برای جنگ است (حسین، ۲۰۱۲: ۲۰). عبدالوهاب حسین بیان می‌دارد که تنها شیوه نیل به چنین جامعه مطلوبی، انقلاب علیه ساختار سیاسی حاکم است. از نظر وی انقلاب بخشی از تکلیف شرعی فرد مؤمن جهت برپایی حق و گسترش عدالت، صلح، خیر و فضیلت در جامعه است. اگر هر فرد مسلمانی بدون هیچ عذری از این تکلیف سر باز زند، سرنوشتش رفتن به سوی بدترین جایگاه یعنی آتش دوزخ است (حسین، ۱۳۹۵: ۹۴).

عبدالوهاب حسین در ابتدا اصلاح نظام را دنبال می‌کند اما پس از آنکه با خلف وعده‌های نظام مواجه می‌شود، با اشاره به سابقه نظام آل خلیفه در خلف وعده و سرکوب مردم بحرین، به شخصیتی شورشی تبدیل شده و با ترسیم آرمان‌شهر مطلوب مردم بحرین در تشکیل دولت و نظام جدید، آنان را به تقابل با نظام بحرین فرا می‌خواند.

## ۵- نتیجه گیری

عبدالوهاب حسین، با کلام و سخنان شورشگرانه خود، توانست به ترسیم شرایط نامطلوب جامعه بحرین پرداخته و مردم این مجمع الجزایر را از گذشته نامطلوب خاندان حاکم آگاه و آنان را از بهبود وضعیت موجود توسط خاندان حاکم مأیوس کند. در واقع وی با ترسیم وضعیت بحرانی موجود جامعه و کشور، زندگی آتی مردم بحرین را رو به افول پیش‌بینی کرد و بدین ترتیب توانست جامعه مطلوب خود را در اذهان مردم، جایگزین جامعه موجود کند. وی با توجه به اکثریت جمعیت شیعه در بحرین، حکومت مطلوب و آرمان‌شهر خود را تشکیل حکومت اسلامی به حاکمیت رهبر اسلامی دانست؛ اما این بدین معنی نبود که وی به خواسته دیگر افراد جامعه بی‌توجه بوده است، لذا او در روند پیکار سیاسی با نظام در طول جنبش ۱۴ فوریه بحرین نیز بیان داشت که ساختار سیاسی و ماهیت آرمان‌شهر آتی مردم، منوط به انتخاب و رأی آنان است، لذا او نیز پیرو خواسته اکثریت مردم خواهد بود. در نهایت، نیز وی تشکیل آرمان‌شهر مطلوب را منوط به سرنگونی نظام سیاسی حاکم دانست و بایبان دلایل مختلف، تشکیل آرمان‌شهر مطلوب مردم را منوط به انجام انقلاب توسط مردم دانست. در واقع عبدالوهاب حسین به‌عنوان شخصیت شورشگر یا فرد شورشی موجود در نظریه پی‌یر انصار، پس از بیان نوشتاری یا گفتاری عقاید شورشی خود، جامعه مطلوب را برای مردم متصور ساخت، سپس در گام نهایی اقدام به تولید ایدئولوژی انقلابی کرد. ایدئولوژی انقلابی تولید شده از سوی عبدالوهاب حسین توانست به تشکیل ائتلاف‌های جدیدی در بحرین به نام «القوی الثوریة ۱» و «ائتلاف من أجل الجمهوریة ۲» منجر شود اما فعالیت گسترده گفتمان اصلاح‌طلب به سردمداری جمعیت سیاسی الوفاق سبب شد تا ایدئولوژی انقلابی تولید شده از سوی گفتمان انقلابی راه به‌جایی نبرده و جنبش ۱۴ فوریه بحرین مسیر فرسایشی شدن را در پیش گیرد.

در جدول ذیل تلاش شده است تا ۱۰ مورد از مهم‌ترین شاخص‌های نظریه پی‌یر انصار ذیل سه مؤلفه مهم فرد شورشی، کلام و زبان انقلابی و جامعه موعود استخراج شده است.

۱. نیروهای انقلابی

۲. ائتلاف برای جمهوری

جدول ۲: مؤلفه های نظریه پی‌یر انسار

۱	ارائه تصویر ناخوشایند از دشمن	(حسین، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۴)
۲	ایجاد تصویری هیجان انگیز از هویت جمعی	(بیگی، ۱۳۹۷: ۶۰)
۳	نفی ساختارهای سازمان اجتماعی قبل	(بیگی، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۲ و ۳۷)
۴	همراه کردن مردم علیه ساختار سیاسی حاکم	(بیگی، ۱۳۹۷: ۳۱ و ۵۱)
۵	ایجاد مشروعیت برای کنش انقلابی	(بیگی، ۱۳۹۷: ۸۹)
۶	اغراق در نامساعدی وضعیت موجود	(حسین، ۱۳۹۵: ۲۱-۳۰)
۷	جلب اعتماد اعضای هویت جمعی	(بیگی، ۱۳۹۷: الف: ۱۲۱)
۸	تمرکز بر نابودی رژیم منفور	(بیگی، ۱۳۹۷: الف: ۲۴۹-۲۵۴-۳۲۰)
۹	ایجاد هویت جمعی	(مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۹۱)
۱۰	ترسیم جامعه آرمانی برای طبقه مظلوم	(حسین، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۰)

## کتابنامه

- انسار، پی‌یر (۱۳۸۱). *ایدئولوژی‌ها، کشمکش‌ها و قدرت*. ترجمه مجید شریف. چاپ اول. تهران: قصیده‌سرا.
- بوصفوان، عباس (۲۰۱۲). *ربیع البحرین، حصاد الساعات*. الطبعة الثانية. مرآة البحرین. ص ۵۰۱-۵۰۷.
- بیگی، علیرضا (۱۳۹۷). *عبدالوهاب حسین و جنبش ۱۴ فوریه بحرین*. خاستگاه اجتماعی، سپهر اندیشه‌ای، کنش سیاسی. بهار ۱۳۹۷. قم: نشر شهید کاظمی.
- بی‌نا (۲۰۱۳/۵/۲۰). *البحرین: مفجر الثورة بین عشاقه و محبیه*. یوتیوب. (آخرین بازدید در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۴). قابل مشاهده در سامانه ذیل: <http://yon.ir/oJem1>
- بی‌نا (۲۰۱۲). *الإعلام السياسي فی البحرین: من «الجداریات» و المنشورات الی المنتديات*، ربیع البحرین، حصاد الساعات ۲۰۱۱. الطبعة الثانية. مایو ۲۰۱۲. مرآة البحرین. ص ۱۹۷-۲۰۳.
- بی‌نا (۲۰۱۴). *الثابت و المتحول، الخلیج بین الشقاق المجتمعی و ترابط المال و السلطه*. مرکز الخلیج لسیاسات التنمیة.
- الجزیره (۲۰۱۱/۳/۱۴). *مستشار للملك: قوات خلیجیة بالبحرین*. تاریخ مشاهده <http://yon.ir/r7gkf> (۲۰۱۱/۸/۲۳).
- الجزیره (۲۰۱۱/۳/۸). *اتتلاف يدعو لإسقاط الملكية بالبحرین*. تاریخ مشاهده <http://yon.ir/84sIW> (۲۰۱۱/۸/۲۳).
- جمعیة الوفاق الوطنی الإسلامیة (۲۰۱۴). *أحادیث الإصلاح معلقة علی فوهات البنادق*. تقریر الأولى یوثق بالأرقام أبرز انتهاكات السلطات البحرینیة لحقوق الإنسان خلال العام ۲۰۱۴. جمعیة الوفاق الوطنی الإسلامیة. دائرة الحریات و حقوق الإنسان. ۱۰ فبرایر ۲۰۱۴.
- جهان‌خواه، عادل و دیده‌ورا، ذوالفقار (۱۳۹۳). «بن‌مایه‌های بیداری اسلامی با مطالعه موردی بحرین». *مجله سیاست دفاعی*. ۲۲(۸۶): ۶۷-۱۰۶.

۱۱. حسین، عبدالوهاب (۱۳۹۵). *گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان رژیم در دادگاه نظامی آل خلیفه*. ترجمه علیرضا بیگی و سجاد رفیعان. تابستان ۱۳۹۵. قم: نشر شهید کاظمی.
۱۲. حسین، عبدالوهاب (۱۳۹۵ الف). *بازخوانی خطبه‌های انقلابی امام حسین علیه‌السلام*. ترجمه دکتر حجت‌الله فسقوری و قرلسفلو. چاپ اول. نشر معارف.
۱۳. حسین، عبدالوهاب (۱۳۹۵ ب). *در کتاب گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه*. نوشته شده توسط جمعی از نویسندگان. ترجمه علیرضا بیگی چاپ اول. قم: نشر شهید کاظمی. صص ۱۶ - ۴۴.
۱۴. حسین، عبدالوهاب (۲۰۰۷). *الدولة والحكومة. الطبعة الأولى*. مكتبة دار الجنان. البحرين.
۱۵. حسین، عبدالوهاب (۲۰۰۹ أ). *ذاکرة الشعب، مجموعة من الأسئلة والأجوبة التي تمثل جزءا مهما من ذاكرة شعب البحرینی. الجزء الأول. الطبعة الأولى*. دار العصمة. السنابس. البحرين.
۱۶. حسین، عبدالوهاب (۲۰۰۹ ب). *الإنسان، رؤیة قرآنیة. الجزء الثاني. دار العصمة. مكتبة مؤمن قریش*.
۱۷. حسین، عبدالوهاب (۲۰۱۱). *رؤیة اسلامیة حول العربة والإغتراب، لمناسبة لقاء الثلاثاء. الطبعة الأولى. شباط ۲۰۱۱. تيار الوفاء الإسلامی*.
۱۸. حسین، عبدالوهاب (۲۰۱۲). *قراءة فی بیانات ثورة الإمام الحسين علیه‌السلام. الطبعة الثانية. لجنة الوفاء للشهداء و تيار الوفاء الإسلامی*.
۱۹. حسین، عبدالوهاب (۲۰۱۵). *إضاءات على درب سيد الشهداء. الطبعة الأولى. تيار الوفاء الإسلامی*.
۲۰. الدقاق، عبدالله (۱۳۹۶/۴/۲). *تاریخ شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بحرین*. مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی. قم.
۲۱. الدیری، علی أحمد (۲۰۱۲). *خارج الورق داخل الميدان، ربيع البحرين، حصاد الساحات. الطبعة الثانية. يوليو. مرآة البحرين. ۱۴۷ - ۱۷۱*.
۲۲. الراشد، راشد (بی‌تا). *بحرین مسیرة شعب یبحث عن الهوية و الحرية و الكرامة. بی‌جا. (نسخه الکترونیکی)*.
۲۳. ربیع، داود (۲۰۱۴). *التجنيس فی البحرين. بیروت - لبنان: دار الصحف للنشر و التوزیع*.
۲۴. روبران، حسین (۱۳۹۵). *آیت الله شیخ عیسی قاسم خط قرمز مردم بحرین. ماهنامه عقیدتی. فرهنگی، سیاسی، اجتماعی پاسدار اسلام. شماره ۴۱۳ - ۴۱۴ - تیر و مرداد ۱۳۹۵. تاریخ مشاهده (۱۳۹۷/۱۰/۱۱). قابل مشاهده در سامانه ذیل: <http://pasdareeslam.com/40337>*
۲۵. سلمان، علی (۲۰۱۷). *نص مرافعة وطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرینیة الشیخ علی سلمان امام القضاء البحرینی. جمعية الوفاق الوطنی الإسلامیة*.

۲۶. سلیمی، فاطمه (۱۳۹۲). «بحرین / بیداری اسلامی در جزیره خونین اسلامی». *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*. (۵۸): ۸ - ۱۵.
۲۷. السندی، سیدمرتضی (۱۳۹۶/۵/۷). نقش تیار الوفاء الإسلامی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین. مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی. قم.
۲۸. ماحوزی، عبدالله (۱۳۹۳). «بیداری اسلامی در بحران و قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و بحران در بحرین». *مجله فرهنگ اسلامی*. (۱۱۱): ۱۹۸ - ۲۲۰.
۲۹. المرزوق، حسین فؤاد (۲۰۱۴). الشيخ عیسی قاسم و التجربة البرلمانية الاولى (مواقف و صور). مجموعة حوارات مع ملازمی الشيخ فی مفاصل حیاته المتعاقبة. رسالة القلم. اسلامية ثقافية شاملة. عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم. العدد الثامن الثلاثون. السنة العاشرة - ربيع الثاني. ۱۴۳۲ هـ. ۲۰۱۴ فبراير. مكتبة فذك. قم المقدسة. الجمهورية الإسلامية فی ایران. ص ۱۳۳ الى ۱۹۷.
۳۰. مرزوق، عادل (۲۰۱۲). ثورة اللؤلؤة: الشهادة المحرمة، ربيع البحرين، حصاد الساحات. الطبعة الثانية. يوليو. مرآة البحرين. ص ۱۸۳ - ۱۹۲.
۳۱. المرشد، عباس (۲۰۱۴). جدار الصمت: انهيار السلطوية، مدخل توثيقي لثورة ۱۴ فبراير البحرينية. الطبعة الأولى. مركز الأوال للدراسات و التوثيق. بيروت.
۳۲. المرشد، عباس و الخواجه، عبدالهادی (۲۰۰۸). التنظيمات و الجمعيات السياسية. فراديس للنشر و التوزيع. مملكة البحرين.
۳۳. موقع فضيلة الأستاذ عبدالوهاب حسين (۲۰۱۰/۷/۱۹). السيرة الذاتية. نشر على موقع فضيلة الأستاذ عبدالوهاب حسين فی تاريخ ۲۰۱۰/۷/۱۹. متاح على الرابط التالي: <http://yon.ir/UVTrH>
۳۴. موقع فضيلة الأستاذ عبدالوهاب حسين (۲۰۱۰/۷/۱۹). نبذة مختصرة. نشر على موقع فضيلة الأستاذ عبدالوهاب حسين فی تاريخ ۲۰۱۰/۷/۱۹. متاح على الرابط التالي: <http://yon.ir/x1WZt>

## References

1. Al-Daqqaq, Abdullah, (23/6/2017), "*the date of cussing the political groups in Bahrin*", interview by Alireza Beygi, Qom, Iran.
2. Al-Diri, Ali Ahmed, (2012), *Out of Paper inside the Field, Rabi` Al-Bahrain*, Harvest of Arenas, Second Edition, July, Mirat Al-Bahrain, pp. 147-171.
3. Al-Rashid, Rashid, (n.b), *Bahrain, the march of a people looking for identity, freedom and dignity*, (n.P), electronic edition.
4. Al-Sanadi, Seyyd Murtada, (29/7/2017), "*the role of the Al-Wafaa Islamic Party in 14 February movement*", interview by Alireza Beygi, Qom, Iran.

5. Al-Morshed, Abbas, (2014), *The Wall of Silence: The Collapse of Authoritarianism, A Documentary Introduction to the Bahraini Revolution of 14 February*, First Edition, *Al-Awal Center for Studies and Documentation*, Beirut.
6. Al-Morshid, Abbas and Al-Khawaja, Abdul-Hadi, (2008), *Political Organizations and Associations*, Fradis Publishing and Distribution, Kingdom of Bahrain.
7. Al-Marzouq, Hussein Fouad, (2014), *Sheikh Issa Qassem and the first parliamentary experience (positions and pictures), a set of dialogues with the lieutenants of Sheikh in the joints of his successive lives, the message of the pen, a comprehensive cultural and Islamic*, a special issue, about the leader Ayatollah Qasim, number thirty thirty, The tenth year - Rabi` Al-Tani, 1432 AH, February 2014, Fadak Library, *Holy Qom, The Islamic Republic of Iran*, pp. 133-197.
8. Al-Jazeera, (3/8/2011), "a coalition calling for the overthrow of property in Bahrain", the date of observation (08/23/2011). Available in below link: <http://yon.ir/84slW>
9. Al-Jazeera, (3/14/2011), "Adviser to the King: Gulf Forces in Bahrain", the date of his observation (08/23/2011). Available in below link: <http://yon.ir/r7gkf>
10. Ansar, Pierre, (2002), *Ideologies, Conflicts and Power*, translated by Majid Sharif, first edition, published by Qasdeh Sara. (in Persian)
11. Beygi, Alireza, (2018b), Abdul Wahab Hussein and the Bahrain 14 February Movement, Social Origin, *Sepehr Andisheh*, Political Action, spring 2018, Shahid Kazemi Publishing, Qom. (in Persian)
12. Busavwan, Abbas (2012), *Rabi` al-Bahrain, Harvest of Arenas*, second edition, Mirat al-Bahrain, pp. 501-507.
13. n.n, (2014a). The stable and the transformed, the Gulf between social discord and the interdependence of money and power, *the Gulf center for development policies*.
14. n.n, (05/20/2013), "Bahrain: The Exploder of Revolution between His Lovers and His Lovers", YouTube, last observation in (6/10/2017). Available in below link: <http://yon.ir/oJcm1>
15. n.n, (2012a), *Political Media in Bahrain: From Walls and Publications to Forums, Spring of Bahrain*, Harvest of Squares 2011, Second Edition, May 2012, Mirror of Bahrain, pp. 197-203.
16. Hussein, Abdolvahab, (2016), *Homeland Witness, Statements of the Revolutionary Leaders of February 14, Bahrain and the Opposition in the Al-Khalifa Military Courts*, translated by Alireza Beygi and Sajjad Rafieian, Summer 2016, published by Shahid Kazemi, Qom. (in Persian)
17. Hussein, Abdul Wahab, (2016a), *Re-reading the revolutionary sermons of Imam Hussein* (as), translated by Dr. Hojjatullah Fasnaghari and Ghezelsfloo, first edition, Maaref Publishing. (in Persian)
18. Hussein, Abdul Wahab, (2015), *Illuminations on the path of Sayyid al-Shuhada*, first edition, al-Wafa al-Islamic party.
19. Hussein, Abdul Wahab, (2016b), *Homeland Witness, Statements by Revolutionary Leaders on February 14 and the Opposition in Al Khalifa*

- Military Courts*, by a group of authors, translated by AliReza Beygi, first edition, published by Shahid Kazemi, Qom, pp. 16-44. (in Persian)
20. Hussein, Abdul Wahab, (2012), *a reading in the data of the revolution of Imam Hussein, peace be upon him*, second edition, the Committee of loyalty to the martyrs and the Al-Wafa Islamic Party.
21. Hussein, Abdul Wahab, (2011), *an Islamic vision about alienation and alienation*, on the occasion of the Tuesday meeting, the first session, February 2011, Al-Wafa Islamic Party.
22. Hussein, Abdul Wahab, (2009a), *Memory of the People*, a collection of questions and answers that represent an important part of the memory of the people of Bahrain, Part One, First Edition, *Dar Al-Esmeh*, Sanabis, Bahrain.
23. Hussein, Abdul Wahab, (2009b), *The Human, A Qur'anic Vision*, Part Two, *Dar Al-Esmeh*, Moamen Quraysh Library.
24. Hussein, Abdul Wahab, (2007), *the State and Government*, First Edition, Dar Al-Jinan Library, Bahrain.
25. Islamic Al-Wafaq National Society, (2014), *Hadiths of Reform commented on gun craters*, the first report documents the most prominent violations of Bahraini human rights during the year 2014, *Al-Wafaq National Islamic Society*, Department of Liberties and Human Rights, 10 February 2014.
26. Jahankhah, Adel and Didoora, Zolfaghar, (2014), "Islamic Awakening Basics with a Case Study of Bahrain", *Journal of Defense Policy*, Year 22, No. 86, spring 2014, pp. 67-106. (in Persian)
27. Marzouq, Adel, (2012), *The Pearl Revolution: The Forbidden Testimony*, Rabi` Al-Bahrain, Harvest of Arenas, Second Edition, July, Mirat Al-Bahrain, pp.183-192.
28. Rabeel, Dawood, (2014). *Naturalization in Bahrain, Beirut* - Lebanon, the newspaper house for publication and distribution.
29. Salman, Ali (2017). *The pleading of a homeland*, the text of the pleading of the Bahraini opposition leader, Sheikh Ali Salman, before the Bahraini judiciary, *Al-Wafaq National Islamic Society*.
30. Royvaran, Hossein, (2016), "Ayatollah Sheikh Issa Qasim Red Line of Bahrain People, Ideological", *Cultural, Political, Social Monthly of the Islamic Revolutionary Guard Corps*, No. 413 - 414 - July and August 2016, Viewed Date (1/1/2019), available in below link: <http://pasdareeslam.com/40337>. (in Persian)
31. Salimi, Fatemeh, (2013), *Bahrain / Islamic Awakening in the Bloody Islamic Island*, *Roshd Magazine of Social Sciences Education*, No. 58, Spring 2013, pp. 8-15. (in Persian)
32. The website of the Honorable Abdul Wahab Hussein, (07/19/2010 a), "the autobiography", was published on the website of the Honorable Abdel Wahab Hussein on the date of 07/19/2010, available at the following link: <http://yon.ir/UVTrH>
33. The website of the Honorable Abdul Wahab Hussein, (07/19/2010 B), "a brief summary", published on the website of Mr. Abdul Wahab Hussein on the date of 07/19/2010, is available at the following link: <http://yon.ir/x1WZt>



34. Mahouzi, Abdullah, (2014), "Islamic Awakening in the Crisis and Uprising of February 14, 2011 and the Crisis in Bahrain", *Journal of Islamic Culture*, No. 11, June 2014, pp. 198-220. (in Persian).